



نقش شخصیت در بازتفسیر رخدادهای تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال (مورد مطالعه: سیدجمال الدین اسدآبادی) ابراهیم فهلی^۱، علی مسروری^۲

چکیده

سید جمال‌الدین اسدآبادی اندیشمند و سیاستمداری دینی است که غالباً اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی او مورد توجه محققان قرار گرفته است. بی‌شک، وی ویژگی‌های شخصیتی داشته است که این همه توان و اثرگذاری و برجستگی را به او بخشیده است. پژوهش حاضر در پی واکاوی ویژگی‌های شخصیتی سید جمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال بوده است (مسئله). این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت داده از نوع کیفی و تحلیل محتوا بوده و جهت گردآوری داده‌ها از روش سندکاوی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کتب، مقالات و اسناد علمی مرتبط با سید جمال‌الدین اسدآبادی در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۱ بود که مقالات و کتب مرتبط به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در چهار مرحله توصیف، تحلیل، استنتاج و تبیین صورت پذیرفته است (روش). یافته‌های پژوهش نشان داد: سیدجمال‌الدین اسدآبادی به لحاظ شخصیتی، فردی خودآگاه، برخوردار از سازه حکمت، سازگار، سخت‌کوش در فعلیت بخشیدن به خود، برخوردار از وارستگی اخلاقی و عرفان اصیل اسلامی، اهل سعه صدر، انعطاف‌پذیر، مخالف خرافه‌گرایی، از خود گذشته، آشنا به زبان‌های زنده دنیا، شجاع در بیان حق و گشوده بر روی تجربه بود. (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: سیدجمال‌الدین اسدآبادی، بیداری اسلامی، ویژگی‌های شخصیتی، روان‌شناسی کمال، نقش الگویی

DOR: 20.1001.1.23225645.1403.13.2.6.9

دوره ۱۳، شماره ۲،
پیاپی ۳۲، تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۱/۲۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۴/۰۶

صص: ۱۴۵-۱۳۳

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی هفت گواهی در
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دکتری مشاوره، استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران (نویسنده

مسئول) fehli@sjau.ac.ir

۲. دکتری مدرسی معارف اسلامی، استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد بردسکن، بردسکن، ایران - dr.ali.masrouri@iau.ac.ir

مقدمه

آمریکای لاتین در عرصه بین‌الملل از اولین و مهم‌ترین مناطق با سابقه استعماری و داشتن تجربه و سابقه مبارزات استقلال‌طلبانه و استکبارستیزی هست. مطالبات مردم آمریکای لاتین برپایه فطرت انسانی، عدالت‌خواهانه، استکبارستیزی و مبارزه با سلطه بوده است. نهضت‌ها و جنبش‌های استقلال‌طلبانه آمریکای لاتین در اوایل قرن ۱۸۰۰ میلادی آغاز شد. مهم‌ترین نمونه مبارزات مردم در آمریکای لاتین در کشور ونزوئلا رخ داد. موج استقلال‌طلبی در این منطقه در سال ۱۸۱۶ میلادی شروع و توسط سیمون بولیوار رهبری شد که زمینه شکست ارتش اسپانیا را فراهم ساخت. مهم‌ترین رهبران نهضتی، مبارز و چریکی در آمریکای لاتین سیمون بولیوار، خوزه دسان مارتین، ارنستو چگوارا، هوگو چاوز، فیدل کاسترو و برخی دیگر از رهبران برجسته ضد امپریالیسم و استعمار در این منطقه به‌شمار می‌آیند.

رخدادهای تاریخ معاصر ایران بسیاری از روشنفکران و متفکران حوزه انقلاب‌پژوهی را وادار به تأمل و اندیشه ورزی بیشتر نسبت به تئوری «نقش شخصیت در بازتفسیر رخدادها و تحولات تاریخی» نموده است. در واقع، این بحث از جمله بحث‌های بسیار مهمی است که سرفصل‌های ارزشمندی را در ساحت معرفت‌های جامعه شناختی و فلسفه تاریخ به خود اختصاص داده است، استاد شهید مرتضی مطهری در دو اثر مهم خود به نام‌های «فلسفه تاریخ» و «جامعه و تاریخ» به صورت مبسوط و موشکافانه به نقد و بررسی نظریات پیرامون تئوری مذکور پرداخته است (بهشتی‌سرشت، ۳۲: ۱۳۸۵ - ۳۱).

وقتی سخن از واژه شخصیت انسان‌های اثرگذار در زندگی بشری به میان می‌آید اولین علمی که باید سراغ آن برویم روان‌شناسی و به طور خاص روان‌شناسی کمال^۳ است. روان‌شناسی کمال به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعات روان‌شناسی در صدد پرداختن به جنبه‌های سالم شخصیت انسان و ظرفیت‌ها و استعداد‌های عظیم انسان برای از قوه به فعل رساندن و تحقق بخشیدن به توانایی‌های خویش و یافتن معنای ژرفتری در زندگی انسان است (شولتز^۴، ۷/۱۹۶۷: ۱۴۰۰).

از منظر روان‌شناختی، ویژگی‌های انسان‌های کمال یافته را می‌توان از دو زاویه قابل بررسی کرد: ۱ - ویژگی‌های عام انسانی که همه انسان‌های کمال یافته از آن برخوردارند، ۲ - ویژگی‌هایی که به لحاظ تبارشناسی فرهنگی و مکتبی، یک انسان به آن وابسته است، در جنبه عام انسانی روان‌شناسان کمال معتقدند انسان‌های کمال یافته به قابلیت گسترش و پرورش و شکوفایی، کمال خود و تبدیل شدن به آنچه در توان آدمی است اعتقاد دارند، این روان‌شناسان سطح مطلوب و رشد شخصیت را فراسوی «بهنجاری» می‌دانند و چنین استدلال می‌کنند که ضرورت دارد انسان

3. Growth Psychology

4. Schultz

برای رسیدن به سطح پیشرفته استعداد‌های بالقوه خود تلاش نماید (شولتز، ۱۹۶۷/۱۴۰۰: ۷). مزلو^۵ (۱۹۷۰/۱۳۶۷: ۲۱۶-۲۴۱) که در زمینه الگوهای شخصیت سالم مطالعات عمیقی داشته است می‌گوید: این مطالعه که با الگوهای انسانی انجام می‌گیرد ما را قادر می‌سازد تا دریابیم تا چه اندازه می‌توان توانایی‌های خود را گسترش داد. او معتقد است انسان پنج نیاز اساسی فیزیولوژیک، ایمنی، محبت، احترام و خود شکوفایی دارد، هنگامی که چهار نیاز اولیه برآورده می‌شود نیاز به شکوفایی به عنوان فرانیاز و استغنا از دیگران نمایان می‌شود، ادراک صحیح از واقعیت، پذیرش کلی طبیعت دیگران و خویشتن، خودانگیختگی، سادگی و طبیعی بودن، توجه به مسائل بیرون از خویشتن، کنش مستقل، نیاز به استقلال و خلوت، تجربه‌های اوج و عارفانه، نوع دوستی و روابط متقابل با دیگران، داشتن خوی مردم‌گرا، تمایز میان خیر و شر و هدف و وسیله، حس طنز، مقاومت در مقابل فرهنگ پذیری، خلاقیت و آفرینندگی، از نمودهای نیاز به شکوفایی و مشخصه افراد کمال یافته است.

در بُعد ویژگی‌هایی که به لحاظ تبارشناسی فرهنگی و مکتبی که یک انسان به آن وابسته است، در مکتب اسلام، انسان به خودی خود موضوعیت داشته و خداوند در او استعداد و ظرفیت‌های رو به کمال را تعبیه نموده است. متفکر شهید استاد مرتضی مطهری (ره) از این خصیصه انسانی به عنوان هوش و فطرت متعالی نام برده است، ایشان در وصف انسان‌های کمال یافته می‌گوید: انسان کامل یعنی انسان نمونه، انسان اعلی یا انسان والا، شناخت انسان کامل برای ما مسلمین از آن جهت واجب است که این افراد حکم مدل و الگو و سرمشق را دارند، چنین انسان‌هایی در عالم خارج وجود دارند، از منظر شهید مطهری یکی از ویژگی‌های انسان کمال یافته تعادل و توازن شخصیتی است؛ حقیقت عدل به توازن و هماهنگی برمی‌گردد، یعنی در عین اینکه همه استعداد‌های انسان رشد می‌کند، رشدش رشد هماهنگ باشد، او مدل انسان کمال یافته را حضرت علی علیه‌السلام می‌داند که به نوعی تعبیر «جامع الاضداد بودن» است، گاهی در دنیای عباد است، گاه زهاد، گاهی در دنیای عرفا و گاهی در دنیای سربازان و افسران، گاه دردنیای حاکم عادل و گاه در دنیای قضات است و مفتی. یک ویژگی دیگر انسان کامل درد داشتن است که این ویژگی انسان نشانه بیداری و آگاهی انسان و بی‌دردی نشانه لختی، بی‌حسی، بی‌شعوری و بی‌ادراکی است (مطهری، ۱۳۹۹: ۱۵-۱۴).

سید جمال الدین اسدآبادی یکی از مفاخر و شخصیت‌های بزرگ فرهنگ ایرانی و اسلامی است، وی در شعبان ۱۲۵۴ ق (آبان ۱۲۱۷ ش) در اسدآباد به دنیا آمد، پدرش سید صفدر و مادرش سکینه بیگم از نوادگان امام سجاد علیه‌السلام بوده‌اند، وی یکی از اثرگذارترین و بلکه سلسله‌جنبان نهضت‌های بیداری اسلامی در بیش از یک قرن اخیر (و اکنون صد و پنجاه سال

اخیر) بوده است (مطهری، ۱۴۰۱: ۱۷)، همچنین عمل و شیوه رویارویی وی با مسائل سیاسی و اجتماعی زمانه خود هنوز الهام بخش میلیون‌ها انسان آزادی‌خواه و به طور مشخص مسلمانان است.

اعتقاد به توانایی ذاتی اسلام برای رهبری مسلمانان، مبارزه با روحیه وادادگی در برابر حوادث تحمیلی استعماری بر جهان اسلام، بازگشت به منابع اصیل تفکر اسلامی، تفسیر عقلی تعالیم اسلامی، لزوم فراگرفتن علوم از سوی مسلمانان و مبارزه با استعمار و استبداد، به عنوان نخستین گام در راه خیزش اجتماعی و فکری مسلمانان، از جمله دستاوردهای سید جمال الدین اسدآبادی برای جریان بیداری اسلامی بود (مدرسی چهاردهی، ۱۳۸۹: ۳۵۶ - ۳۵۵)، ادوارد براون در کتاب تاریخ انقلاب ایران (۱۹۷۰) می‌نویسد: این یگانه مرد دارای قدرت خلاقه با معلوماتی شگفت‌آور، پشت کار خستگی‌ناپذیر و دلاوری بی‌باکانه و با خصایص فوق‌العاده چه در گفتار، چه در نگارش با طلعتی گیرا و شاهانه و یکباره یک فیلسوف، نویسنده، سخنور، روزنامه‌نگار، بلکه بالاتر از همه مردی سیاستمدار بود (امیری، ۱۳۹۶: ۵)، محمد عبده شاگرد سید می‌گوید: در سال ۱۲۸۶ هجری، مردی غریب و بصیر و بینا به اوضاع دین و کشور آمد که به اوضاع و احوال ملت‌ها آشنا بود و دارای معلوماتی وسیع و دلی لبریز از معارف داشت، مردی پردل و پرجرات معروف به سید جمال الدین افغانی که به تدریس بخشی از علوم عقلی مشغول شد... در نتیجه، مشاعر بیدار و عقول زنده شد و ظلمات غفلت خفیف و سبک گردید (سعیدی، ۱۳۸۰: ۱۴۱)، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی در مورد سید جمال الدین می‌فرماید: سید جمال کسی بود که برای اولین بار بازگشت به اسلام را مطرح کرد، کسی بود که مسئله حاکمیت را و خیزش و بعثت جدید اسلام را اولین بار در فضای عالم به وجود آورد... او مطرح‌کننده، به‌وجودآورنده و آغازگر بازگشت به حاکمیت اسلام و نظام اسلام است، این را نمی‌شود دست‌کم گرفت و سید جمال را نمی‌شود با کس دیگری مقایسه کرد، در عالم مبارزات سیاسی، او اولین کسی است که سلطه استعماری را برای مردم مسلمان آن زمان معنا کرد... مبارزات سیاسی سید جمال چیزی است که قابل مقایسه با هیچ یک از مبارزات سیاسی افرادی که حول و حوش کار سید جمال حرکت کردند، نیست (۱۳۶۰، ۳۰ خرداد).

آنچه در مقالات و نوشته‌های علمی از سید جمال الدین اسدآبادی تا کنون به آن پرداخته شده، عمدتاً در حوزه مبارزات سیاسی اجتماعی او و تلاشی بوده است که در راستای وحدت جهان اسلام و مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی با تمسک به معارف اسلامی انجام داد است، اما به یقین او دارای ویژگی‌های شخصیتی ممتازی بوده است که از یک سو به او انگیزه حرکت و مبارزه بخشیده است و از سوی دیگر جاذبه‌هایی داشته است که دل‌های زیادی را از سراسر عالم به سوی او جلب کرده است، تا آنجا که در زمانه خود، در عین بی‌بهره بودن از قدرت و پشتوانه مرسوم سیاسی، توانسته است تحولی عظیم در نگاه مردم نسبت به پتانسیل دین و اسلام جهت

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخدادهای تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

مبارزه با استبداد و استعمار انگلستان ایجاد نماید و بعد از خود نیز همچنان اثر گذار و محبوب بماند، ولی در پژوهش‌های انجام گرفته کمتر به ویژگی‌های شخصیتی این انسان بزرگ که سرچشمه و راهنمای عمل او بوده پرداخته شده است.

با توجه به نیاز امروز نسل جوان ما به الگوهایی که راهنمای عمل آنها در حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی و برخوردار از روحیه حق جویی و وحدت آفرین باشد، ضرورت دارد تا با بازخوانی ویژگی‌های شخصیتی بزرگان فرهنگ و سیاست این مرز و بوم، همچون علامه سیدجمال‌الدین اسدآبادی آشنا شوند، بر این اساس در این مقاله سعی شده است به شناسایی و برجسته سازی ویژگی‌های شخصیتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال به این سؤال اساسی پاسخ داده شده است که: ویژگی‌های شخصیتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی کدامند؟

۱. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ ماهیت داده‌ها از نوع کیفی و تحلیل محتوا بوده است، برای گردآوری داده‌ها از روش سندکاوی استفاده شده است، جامعه پژوهشی این پژوهش شامل کتب، مقالات و اسناد علمی مرتبط داخلی و خارجی با سیدجمال‌الدین اسدآبادی در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۱ بوده است؛ نمونه‌گیری به شیوه در دسترس و از مقالات و کتب مرتبط انتخاب و داده‌ها با ابزار فیش برداری گردآوری و از میان مطالب مربوط به شخصیت و مبارزات سیدجمال‌الدین اسدآبادی آن بخش که به نقش الگویی شخصیت ایشان مربوط بوده مورد توجه قرار گرفته است.

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. مفهوم شناسی شخصیت

شخصیت از ریشه یونانی (persona) به معنی نقاب و یا ماسکی است که بازیگران تئاتر در یونان و روم قدیم بر چهره می‌گذاشتند، این تعبیر در حقیقت اشاره تلویحی دارد بر اینکه شخصیت هر فرد ماسکی است که او بر چهره خود می‌زند تا وجه تمایز او از دیگران باشد (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳/۱۳۹۸: ۱۰).

انجمن روانشناسی آمریکا (APA) شخصیت را «تفاوت‌های فردی در الگوهای تفکر، احساس و رفتار» تعریف می‌کند. این تعریف اغلب در رویکردهای یکپارچه‌نگر و التقاطی دیده می‌شود. لازاروس^۷ به عنوان یکی از سردمداران مکتب یکپارچه‌نگر، شخصیت را مجموعه افکار، احساسات، رفتار اجتماعی و ویژگی‌های فیزیکی یک شخص می‌داند (هامر^۸، ۲۰۰۵:

6. Schultz & Schultz

7 - Lazarus

8. Hammerdin

(۲۵).

قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره حجرات این حقیقت را که انسان‌ها بر اساس خصوصیات فردی خویش از یکدیگر متمایز می‌شوند چنین ترسیم فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید»، تطبیق دیدگاه‌های تفسیری و روانشناسانه حکایت از آن دارد که مفهوم شخصیت در علم روانشناسی همان «شاکله» در ادبیات قرآنی است، آنجا که خداوند در آیه ۸۴ سوره اسراء فرموده است «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد (درزی و سلمان نژاد، ۱۳۹۸: ۹۴).

۲-۲. ویژگی‌های شخصیتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی با تأکید بر روان‌شناسی کمال

در باب جامع الاطراف بودن شخصیت سید جمال‌الدین اسدآبادی، پژوهش‌هایی انجام گرفته و سخنان زیادی نقل شده است، میان محمد شریف می‌گوید «او مردی متفکر و در عین حال مرد عمل بود، هوشی تند و دلی قوی داشت، مواهب عقلانی نادر و صفات اخلاقی والای او به شخصیت او جاذبه‌ای داده بود که خاص همه رهبران بزرگ است و همین موجب گردید که پیروان زیادی دور او گرد آیند، وی برای جهان اسلام شخصیتی جامع الاطراف بود، یعنی در یک زمان هم متفکری بزرگ، هم مصلحی دینی و هم رهبری سیاسی بود، او در میان معاصران خود نویسنده‌ای استثنایی، سخنوری جذاب و فصیح و مناظری برخوردار از قدرت اقناعی عظیم بود، فیلسوف فرانسوی ارنست رنان (۱۸۲۳-۱۸۹۲ م) بعد از ملاقات با سید، درباره‌اش گفته است: «آزادی اندیشه او، منش بزرگ و مهرآمیز او در اثنای محاوراتمان، مرا متقاعد ساخت که در برابرم یکی از آشنایان دانشمند قدیم همچون ابن‌سینا، ابن‌رشد و یا یکی از آن بی‌ایمانان بزرگ که پنج قرن میراث روح انسانی را عرضه کردند، دوباره زنده گردیده است (میان محمد شریف، ۱۳۷۰، ج ۱: ۹). از بین همه ویژگی‌های شخصیتی سید جمال‌الدین با توجه به گستردگی این ویژگی‌ها، در این مقاله سعی شده به چند مورد از ویژگی‌های برجسته و الهام بخش سیدجمال‌الدین اسدآبادی که ریشه در نوع جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی او دارد، پرداخته شود.

۲-۲-۱. خودآگاهی^۱

خودآگاهی یا آگاهی از خویشتن که در مبانی فلسفی تحت عنوان خودشناسی از آن یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و سازه‌های شخصیتی است که در شاخه‌های مختلف روان‌شناسی، بویژه روان‌شناسی کمال به عنوان یک مهارت و سنگ بنا برای سایر خصوصیات

افراد انسانی مورد توجه قرار گرفته است، به عنوان نمونه، تئوری دانیل گلمن^{۱۰} با عنوان «توجه مداوم فرد به حالات درونی خود»، نظریه دانا زوهر و یان مارشال^{۱۱} (۲۰۰۴: ۴۲)، با عنوان «خودشناسی سنگ زیرین هوش معنوی»، نظریه فرآیند فردیت و تکنیک رمز واژه کارل گوستاو یونگ^{۱۲} (یونگ، ۱۴۰۲: ۲۴۰)، نظریه خودانگیزه کارن هورنای^{۱۳} (سیاسی، ۱۴۰۲: ۹۵)، نظریه خودشکوفایی و انسان خواستار تحقق خود مزلو (شولتز و شولتز، ۱۳۹۸: ۴۱۳ - ۳۹۷؛ شولتز، ۱۹۶۷: ۸۶)، هرکدام به نحوی به تبیین مسئله خودآگاهی پرداخته‌اند.

واکاوی اندیشه‌ها و سخنان به جای مانده از سیدجمال‌الدین نشان از آن دارد که ایشان به مرتبه‌ای بالا از خودآگاهی در هر دو سطح آن دست یافته است، این مسئله برای فردی که در میانه دنیای قدیم و جدید ایستاده بود و در میان برخی روحانیون سنتی، مقبولیتی نداشت و کسی چندان به وی توجهی نمی‌کرد و تنها جریان روشنفکری مذهبی در تهران و شهرهای دیگر مثل تبریز اعتنای زیادی به او داشتند و وی را پیشوای فکری نهضت اسلامی می‌دانستند، بسیار حائز اهمیت بوده است، در خودآگاهی سیدجمال همین بس که او خواسته‌ها و اهدافی متعالی داشته و همواره به دنبال هویت بخشی به افراد و جامعه اسلامی از درون بوده است، مبنای خودآگاهی در اندیشه سیدجمال، بازگشت به اسلام و معارف والای قرآن بوده است (ماهنامه تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب، ۱۳۹۰). این خود آگاهی منشاء خودباوری و اصرار سید بر گشودن گره‌های بیرونی که از سوی استعمار انگلستان و استبداد داخلی بر جامعه مسلمانان تحمیل شده بود از داخل جوامع دینی و به دست خود مسلمانان گردیده بود، سید جمال بر کفایت منابع دینی برای حرکت و بالندگی جامعه در راستای مبارزه با دشمن باور داشت.

۲-۲-۲. حکمت

از منظر سیدجمال‌الدین اسدآبادی حکیم یا فیلسوف کسی است که اتفاقات و رخداد‌های زندگی، ذهن او را به حرکت درآورد و در راهی قدم گذارد که آغاز و پایان آن را نمی‌داند، با توجه به نقشی که سید جمال برای حکمت قائل است، انتظار دارد فایده و ثمره حکمت در رفع مسائل و مشکلات کنونی جامعه دیده شود، حکمت در پی علل و اسباب است و باید دریابد چرا وضعیت مسلمانان که دوره‌ای از شبکه تمدنی داشته‌اند اکنون رضایت بخش نیست، همچنین خرد بایستی بتواند علت پیشرفت ملت‌های مغرب زمین را دریابد، از سازوکار علوم و تکنولوژی آنها پی جو شود و انسان را به حرکت در آورد، اما با کمال حیرت چنین نیست (حسینی اسدآبادی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

10. Daniel Goleman

11 - Zohar, Dana & Marshall, Ian

12. Carl Gustav Jung

13. Karen Horne

تحولی که سیدجمال الدین اسدآبادی ایجاد کرد حاصل نگاه آسیب‌شناسانه او به وضعیت علمی و فلسفی جوامع اسلامی و یافتن نقطه مرکزی آسیب یعنی «ضعف حکمت» است. از آنجا که دغدغه وی فهم علت عقب ماندگی مسلمانان در دوران معاصر است، علت را در جایی جستجو می‌کند که منشأ و کارگزار اصلی علت‌یابی است و این عامل همان حکمت است. وی معتقد است قرآن نوعی روح فلسفی ایجاد می‌کند که سبب حرکت جامعه می‌شود. این اتفاق در صدر اسلام با ایجاد تحول در عرب جاهلی رخ داد و به ترجمه و یادگیری علوم مختلف و ایجاد دولت و تمدن در جهان اسلام انجامید. مفسران معاصر قرآن باید مؤلفه‌های اساسی ایجاد این تحول را در قرآن بیابند و با زبان حکمت در جامعه بیان کنند (کیخا، ۱۳۹۹: ۲۰۴ - ۲۰۰).

محمد عبده در مورخه ۵ جمادی الاولی سال ۱۳۰۰ در نامه‌ای به سیدجمال اینگونه می‌نویسد: «از سوی تو به من حکمتی رسیده است که با آن دل‌ها را منقلب می‌کنم و عقول را درمی‌یابم و در خاطره‌های مردم تصرف می‌کنم، روح حکمت تو مردگان ما را زنده کرد و عقل‌های ما را روشن ساخت» (مهدوی و افشار، ۱۳۴۲: ۶۴). سیدجمال با برخورداری از همین سازه بنیادین و با همین نگاه به آسیب‌شناسی مشکلات جوامع اسلامی و علت ترقی علمی جوامع اروپایی پرداخته است، در عمل نیز شاهد آن هستیم که حرکت سید یک حرکت حکیمانه و هدفمند بوده تا جایی که اکنون بعد از گذشت حدود ۱۵۰ سال درستی این آسیب‌شناسی مورد تاکید و تأیید صاحب نظران است.

۲-۲-۳. سازگاری به جای سازشکاری

سازگاری نقطه مقابل سازشکاری و منفعل بودن است، برخی از خصوصیات انسان سازگار و سالم بدین قرار است که آن‌ها ادراکی واقع‌بینانه و عینی از خود و محیط پیرامون خود دارند، از تعادل جسمی و روانی مناسبی برخوردارند و در به کارگیری تمامی نیروهای درونی و بیرونی برای ایجاد توازن و تعامل سازنده با محیط، خود و اجتماع موفق هستند، برخلاف افراد سازشکار که احساس خوب بودن در آن‌ها کوتاه و موقتی است، در افراد سازگار، به دلیل آنکه از سطح عزت نفس و انسجام روانی خوبی برخوردار هستند، این احساس در عمق وجودشان است، آن‌ها به سراغ تنش‌ها می‌روند زیرا رشد و کمال و تعالی را در سختی‌ها می‌جویند (اسلامی‌نسب، ۱۳۷۳: ۶۵). به عنوان نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سیاست خارجی خود شخصیتی سازگار داشت، بدین معنی که با تمام غیر مسلمانان از ادیان دیگر و حتی کفار قریش تعامل سازنده داشت، ولی هیچ‌گاه با آنان بر سر حق، از در سازشکاری وارد نشد، به همین دلیل زمانی که کفار قریش از ایشان درخواست می‌کنند که به مدت شش ماه رسول خدا و مسلمانان خدایان قریش را بپرستند و به مدت شش ماه قریش خدای محمد و پیروان او را بپرستند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین چیزی را نمی‌پذیرد و در پاسخ آنان آیات سوره مبارکه کافرون را تلاوت می‌کند. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ * وَلَا أَنْتُمْ

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ * وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِی دِینٌ». سید جمال استعمار اروپا و به طور خاص، استعمار بریتانیا و استبداد رهبران داخلی را بزرگ‌ترین خطر جهان اسلام تشخیص داده بود و به تأسی از شخصیت‌های والامقامی همچون رسول خدا (ص) چندان جدی و پی‌گیر بود که کوچک‌ترین سازشی را در مقابل استعمار خارجی و استبداد داخلی بر نمی‌تافت، تا آنجا که شاگرد و دوست دیرینش شیخ محمد عبده را، به دلیل کوتاه آمدن با سیاست انگلیس در مصر، سخت مورد ملامت قرار داد و با گزنده‌ترین کلمات به باد انتقاد گرفت، وی معتقد بود که استعمار انگلیس خود را با شعار آزادی و استقلال بر دیگر سرزمین‌ها مسلط می‌نماید، البته وی استعمار انگلیس را بسان شیری ضعیف می‌پندارد که اینک در حالت ضعف به سر می‌برد و اگر مسلمانان بر ترس و وهم خود غلبه کنند بلاشک بر او پیروز خواهند شد، این موضع ضعف استعمار انگلیس از نظر شرقی‌ها پوشیده است و در حجابی از وهم قرار دارد و هر شرقی به گونه‌ای دچار توهم است و تصور می‌نماید انگلیسی‌ها هنوز هم بمانند زمان گذشته خویش قدرتمند هستند، سید جمال الدین درصدد زدودن این ترس و وهم از دل مسلمانان بود، وی فریاد آگاهی سر داد تا مسلمانان را بیدار سازد (اسدآبادی، ۱۳۵۵: ۱۸۱-۱۷۴). با مطالعه سرگذشت زندگی سید جمال الدین متوجه می‌شویم که او از همان اول حرکت علمی، سیاسی و اجتماعی خود، تا آخرین گام‌ها، فردی بوده است که با مشکلات سازگار شده، ولی هیچ‌گاه تن به سازش با آنچه صاحبان قدرت از او می‌خواستند و کوتاه آمدن از مبارزه با استعمار و استبداد نداد.

۲-۲-۴. برخورداری از عرفان اصیل اسلامی

عرفان، شناخت حق و اسماء و صفات الهی از طریق تهذیب نفس و تزکیه و طهارت درونی است که در اثر سیر و سلوک حاصل می‌شود و تفسیر ویژه‌ای از عالم و آدم یا جهان هستی ارائه می‌کند، در پرتو آن عالم را جلوه حق و مظهر اسمای حُسنای الهی می‌بیند و «توحید»، واپسین مقصد سیر و سلوک عارف است (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۸۸)، سید جمال الدین اسدآبادی در کنار اشتغال به تحصیل علوم دینی در نزد بزرگانی چون شیخ مرتضی انصاری، در زمینه خودسازی درون و عرفان، علاوه بر بودن در حضور استاد بزرگ خود شیخ انصاری، به طور مشخص از درس اخلاق و حکمت ملاحسینقلی همدانی نیز استفاده نموده و توانست در کنار بزرگانی که با شرایطی ویژه در درس ملاحسینقلی راه یافته بودند، حکمت بیاموزد (مهدوی، افشار، ۱۳۴۲: ۱۰۰)، شهید مطهری در این باره می‌فرماید: این بنده، از وقتی که به این نکته در زندگی سید پی بردم (شاگردی در محضر آخوند ملاً حسینقلی همدانی و همدرسی؛ سید احمد کربلایی و سید سعید)، شخصیت سید جمال الدین اسدآبادی در نظرم بُعد و اهمیت دیگری پیدا کرده است، ظاهراً سید جمال، علوم عقلی را از این مرد بزرگ (مرحوم ملاحسینقلی همدانی) که خود از شاگردان برجسته مرحوم حاج ملاً هادی سبزواری بوده فراگرفته است، به علاوه در محضر این

مرد بزرگ که همشهری سید نیز بوده است، با مسائل معنوی و عوالم عرفانی آشنا شده است، کسانی که شرح حال سید را نوشته‌اند، به علت آنکه با مکتب اخلاقی و تربیتی و سلوکی و فلسفی مرحوم آخوند همدانی آشنایی نداشته‌اند و همچنین شخصیت مرحوم آقا سید احمد کربلایی و مرحوم سید سعید حبیبی را نمی‌شناخته‌اند، به گزارش ساده‌ای قناعت کرده و به سرعت، از آن گذشته‌اند، آنان توجه نداشته‌اند که شاگردی سید در محضر آخوند همدانی و معاشرتش با آن دو بزرگ دیگر، چه آثار عمیقی در روحیه سید تا آخر عمر داشته است (مطهری، ۱۳۹۹: ۴۴)، این واقعیت در گفتار نیکی کدی^{۱۴} نیز آمده است که سیدجمال الدین در مبارزه خود با استعمار از نیروی اسلام مدد می‌گرفت (نیکی کدی، ۱۹۶۸: ۶). از آنچه گفته شد مشخص می‌شود که سیدجمال الدین اسدآبادی در نزد اساتید بزرگ روزگار خود عرفان اصیل را آموخته و با خودسازی و مجاهده با نفس، در عمل نیز عالم را جلوه‌ای از ذات خدا دانسته و نسبت به دردهای انسان‌های دیگر و خصوصاً مسلمانان احساس مسئولیت می‌کرد، لذا بر خلاف روش برخی عباد و زهاد که عرفان را در خلوت‌گزینی دنبال می‌کنند، سید در میدان جهاد با مظاهر ظلم و جور و استکبار و استبداد تا پای جان و هستی خود مجاهده می‌نماید.

۲-۲-۵. سخت‌کوشی^{۱۵}

بررسی جامع و علمی سخت‌کوشی در روان‌شناسی توسط سوزان کوباسا^{۱۶} (۱۹۷۹: ۱۱-۱) انجام گرفته است. از منظر این روانشناس، سخت‌کوشی و به تعبیر دیگر، سرسختی با سه عنصر تعهد، کنترل و مبارزه‌طلبی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی انسان کامل است. تاب‌آوری^{۱۷} یکی از ویژگی‌های افراد سخت‌کوش است سلیگمن^{۱۸} (۲۰۰۴) بنیان‌گذار روانشناسی مثبت‌گرا^{۱۹} می‌گوید: «تاب‌آوری موجب گذر از بحران و موفقیت انسان می‌شود، تاب‌آوری یعنی اینکه فرد بتواند قوام و سلامت روانشناسی خود را در مواجهه با سختی‌ها حفظ کند، این ظرفیت باعث می‌شود علی‌رغم قرار گرفتن در معرض تنش‌های شدید، شایستگی اجتماعی، تحصیلی و شغلی فرد ارتقاء یابد، تاب‌آوری به معنای توانایی مقابله با شرایط دشوار و پاسخ انعطاف‌پذیر به فشارهای زندگی است (کنور دیویدسون^{۲۰}، ۲۰۰۳: ۸۲-۷۶) و این موجب سخت‌کوشی انسان می‌شود.

سید جمال الدین درس‌ها را به درستی می‌خواند و نافهمیده از مسئله‌ای فراتر نمی‌رفت، لذتش

14. Nikkie, Keddie
15. diligence
16. Suzanne C. Kobasa
17. Resilience
18. Seligman
19. Positive psychology
20. Connor Davidson

در مطالعه و تفکر بود، ایام تفریح و تعطیلی را به تحقیق و مطالعه سپری می‌کرد (اسدآبادی ۱۳۰۴: ۷). در نجف اشرف با سخت کوشی خود آوازه فراست و نبوغ سید جمال، عالمان نجف، کربلا و سامرا را به حیرت واد می‌دارد، تا اینکه مورد حسد و کینه برخی ناهلان قرار گرفت و به توصیه استاد بزرگش شیخ مرتضی انصاری در سال ۱۲۷۰ هـ - ق روانه شهر بمبئی در هندوستان شد (اسدآبادی، ۱۳۰۴: ۲۲). مبارزه سیاسی سید از هندوستان با تشویق مردم آن دیار به مبارزه با استعمار انگلستان شروع می‌شود، و این زمانی است که او در کشوری قریب و در سن ۱۶ سالگی بوده است، دولت وقت هند با مشاهده رفتارهای سیاسی او ایشان را از هندوستان اخراج می‌کند (واثقی، ۱۳۸۴).

در سال ۱۲۷۶ به افغانستان سفر می‌کند، در سال ۱۲۸۵ هـ - ش وارد مصر شده و در دانشگاه جامع الازهر با علمای بزرگ آن کشور ملاقات می‌کند و به دلیل دایر کردن مجلس سخنرانی برای جوانان مصر بعد از چهل روز از مصر اخراج می‌شود، به ناچار روانه استامبول می‌شود ترکان عثمانی مانند «علی پاشا صدر اعظم» و «فؤاد پاشا» برای دیدار سید شتافتند و او را در دربار مورد تکریم و مشاور خویش قرار دادند، ولی چندی نگذشت که در اثر کج اندیشی و ترس درباریان و حسادت «شیخ الاسلام» سلطان عثمانی دستور داد تا مدتی را به خارج از استامبول سفر کند، از این رو او در سال ۱۲۸۷ هـ. ش به بهانه سفر سیاحتی و مشاهده آثار باستانی بار دیگر وارد کشور مصر می‌شود، در این سفر پس از دیداری که سید با ریاض پاشا رئیس دولت مصر انجام پذیرفت، ریاض پاشا سخت شیفته کمالات روحی و معنوی سید شد و از او خواست تا در مصر اقامت گیرد، سید جمال از این فرصت طلائی استفاده جست و نخست در منزل خود جلسه درس و بحث برای جوانان دانشگاهی و طلاب پر شور تشکیل داد و سپس آن را به دانشگاه الازهر انتقال داد و شاگردان بسیاری را مشتاق خویش ساخت، او علاوه بر اساتید و دانشمندان بزرگ مصر با روشنفکران و مردم ارتباط برقرار می‌کرد، حتی در قهوه‌خانه‌های مصر حاضر می‌شد و افکار و اندیشه‌های خود را برای مردم بیان می‌داشت، به طوری که در طول چند سال اقامت در آن کشور توانست تحولات بزرگی را از نظر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در اذهان مردم ایجاد کند، او با نوشتن مقالات گوناگون در روزنامه‌های کثیرالانتشار مانند مصر و التجاره که با پیشنهاد او از سوی ادیب اسحاق راه‌اندازی شده بود، ادبیات مصر را از ریشه دگرگون ساخت و ضمن رشد و آگاهی دادن به مردم، توطئه‌های پشت پرده دشمنان را برایشان معرفی کرد، تا اینکه ریاض پاشا این دو روزنامه را توقیف کرد، ولی سید همچنان به راه خود ادامه داد و مبارزه سختی بر ضد دولت‌های خارجی و استبداد داخلی آغاز کرد و در نهایت شب ۱۷ رمضان ۱۲۹۶ هـ بازداشت و به سوی کانال سوئز فرستاده شد تا او را از آنجا به کشور ایران گسیل کنند، پس از اخراج از مصر به حیدرآباد آمد و به نشر علم و ادب و نگارش مقالات فارسی برای جراید سید الأخبار و مفرح القلوب و روزنامه‌های دیگر هند پرداخت، روزنامه

دیگری که در هند منتشر شد، «حبل المتین» بود که با تشویق سیدجلال الدین کنعانی تأسیس شده است (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۶۱).

همانطور که در سطور بالا مشخص می‌شود سخت‌کوشی یکی از ویژگی‌های بارز سیدجمال الدین در تمام مراحل زندگی‌اش بوده است و او با خستگی ناپذیری و متعهدانه در راه آرمان بلند خود چه در حوزه علم آموزی، چه خود سازی و اخلاق و چه در عرصه فعالیت فرهنگی و ورود به عرصه روزنامه نگاری و چه در عرصه جهاد سیاسی و مبارزه با عوامل جور و استکبار و استبداد و سفرهای پر مشقت و دردساز برای او، مصمم و پر تلاش حرکت رو به جلو داشته است.

۲-۲-۶. آشنا و مسلط به زبان‌های مهم دنیا

سید جمال الدین آموختن زبان‌های گوناگون را از آن جهت مفید می‌دانست که زبان وسیله وحدت لغت و موجب اتحاد و همسویی ملت‌هاست و مردم به کمک آن خواهند توانست از علوم دیگران سود جویند و بر غنای فرهنگ و صنعت خود بیفزایند به علمای هند توصیه می‌کرد زبان انگلیسی را فرا گیرند و علوم و معارف مغرب زمین را در اختیار مردم نهند (جزیره دار، ۱۳۷۷، ج ۴: ۸۵۵)، سید خود با آن که زبان مادریش ترکی همدانی بود، به زبان‌های زنده دنیا مسلط بود و با همزبانی با مردمان ترک و عرب و هند وسیله جذب آنان را به سوی خود فراهم می‌آورد (جمالی، ۱۳۴۹: ۱۰۷) ذکاء الملک مدیر دارالطباعه در زمان ناصرالدین شاه در توصیف سید گفته است: وارد شدم بر سید و او را دریایی از علم و فضل دیدم... هفت زبان را به خوبی تکلم می‌کرد: فارسی، ترکی همدانی و اسلامبولی، فرانسه، روسی، انگلیسی، عربی، افغانی را هم می‌دانست، خلاصه عالمی مانند سید قبل از آن و بعد از آن ندیدم (ناظم الاسلام کرمانی و حسن بیگی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۰). این ویژگی سیدجمال الدین بدون اغراق در هیچ عالم دینی قبل و بعد از او مشاهده نشده است که به زبان‌های زنده دنیا مسلط باشد، با مرور زندگی سراسر مبارزه سید، متوجه می‌شویم که این اشتیاق و تلاش فراوانی که به طور طبیعی برای آموختن این زبان‌های مختلف داشته است، متناسب با اهداف متعالی او در ایجاد ارتباط با ملل و شناخت مواضع دشمنان مسلمانان و مبارزه با نقشه‌های آنها بوده است.

۲-۲-۷. وارستگی اخلاقی

یکی از ویژگی‌های شخصیتی سید جمال الدین اخلاق‌مداری او بوده است، او استعمار و استبداد را نتیجه انحراف اخلاقی می‌دانست و عنوان عالم دینی را تنها با متصف‌بودن به مکارم اخلاقی می‌پسندید.

جلوه‌ای از اخلاص و صفای باطن سید را می‌توان در نامه‌ای که در مورخ ۲۷ مارس ۱۸۸۹ م/۲۵ رجب ۱۳۰۶ ه ق به حاجی امین الضرب نوشته است، مشاهده کرد: «جناب حاجی! من آنچه گفته‌ام و می‌گویم و کرده‌ام و می‌کنم، همه محض و صرف از برای خیر امت محمدیه بوده و خواهد بود و به هیچ‌وجه انانیت مرا در او مدخلی نبوده است... نوشته بودید که پس از ورود من

به تهران، همه چیز آماده و حاضر بود، حاجی جان چه حاضر بود؟ و کدام چیز آماده بود؟ من صدراعظم نمی‌خواهم بشوم، من وزیر نمی‌خواهم بشوم، من ارکان دولت نمی‌خواهم بشوم، من وظیفه نمی‌خواهم، من عیال ندارم، من ملک ندارم و نمی‌خواهم که داشته باشم! پس چه حاضر بود و چه آماده؟ جناب حاجی، بسیار اشخاص به واسطه من به رتبه بیگی و پاشایی رسیده‌اند، بسیار اشخاص به توسط من به موجب بالا رسیده‌اند، ولكن خود من همیشه به یک حالت بوده و خواهم بود، جز نصیحت و اصلاح، مقصد دیگری ندارم،...» (جمالی، ۱۳۴۹: ۱۸۳-۱۸۳)، سیدجمال حتی وعده سلطان عبدالحمید مبنی بر اعطای مقام شیخ‌الاسلامی را نپذیرفت، زیرا معتقد بود که این مقام ارزشی ندارد، مگر اینکه به وسیله آن نظام اجتماع را بتوان تغییر داد و در سایه این عنوان اصلاحاتی به عمل آورد، به همین مناسبت می‌گفت: «وظیفه مرد دانشمند این نیست که دارای منصب معین و حقوق مشخصی باشد، بلکه وظیفه عالم، ارشاد و تعلیم صحیح است و مقام او اقتضا، بلکه الزام دارد به این که علوم سودمند را خوب بیاموزد و علم را با عمل نیک مقرون گرداند (امین، ۱۳۵۴: ۱۱۱).

با عنایت به این گفته‌ها می‌توان مدعی شد سیدجمال الدین از وارستگی اخلاقی در حد اعلا برخوردار بوده و مزید بر این تلاش می‌کرده است راهنمای یاران خود در این طریق باشد، همچنین از نسخه اخلاقی سیدجمال برای حزب وطنی اینگونه می‌توان استنباط کرد که مبنای اخلاق‌مداری سیدجمال در بعد عملیاتی آن «رعایت حقوق طرف ارتباط در محیط ۳۶۰ درجه» بوده است؛ بی‌شک برخوردار از چنین نگرشی باعث می‌شود انسان در تمام شئون رفتاری و حوزه‌های ارتباطی‌اش موفق عمل کند.

۲ - ۲ - ۸. سعه صدر

شرح صدر یکی از لوازم رهبران بزرگ در رویاوری با دشواری‌های فرا راه آن‌هاست. در قرآن کریم نیز هنگامی که حضرت موسی علیه‌السلام از سوی پروردگار برای هدایت فرعون مأوریت می‌یابد یکی از درخواست‌های او از خدای هستی این است که «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي * يَقْفَهُوا قَوْلِي (آیات ۲۵ تا ۲۸ سوره طه) در این آیات موسی علیه‌السلام از خدا می‌خواهد که به او شرح صدر عطا نماید، «گره از زبانش» بگشاید؛ یعنی موانع فهم سخن او را بر طرف سازد، تا بتواند آن چنان فصیح و بلیغ سخن بگوید که هر شنونده‌ای به راحتی و عمیقاً سخنان او را درک کند. سیدجمال الدین اسدآبادی در مدتی که در ایران بود خیلی از ناحیه مردم و حتی از ناحیه روحانین زمان خودش ناراحتی کشید، لااقل در این حد که به دعوت‌هایش ترتیب اثر زیادی ندادند، ولی در عین حال در کلماتش حتی یک کلمه علیه روحانیون حرف نزده و همیشه کوشیده با احترام آن‌ها را بیدار کند. نامه‌ای به میرزای شیرازی نوشته و نامه متحدالمآل مانندی نیز به همه علمای بزرگ و درجه اول ایران، نوشته که این نامه‌ها تاریخی است، در تمام نامه‌هایش پیام اصلی او این بوده است که اگر این کشور

بخواهد اصلاح شود، به دست شما اصلاح خواهد شد و شما باید بیدار شوید، به خودش نمی‌اندیشید که آیا به او خوبی کرده‌اند یا نه، او انتقادهای بر علیه خود را نادیده می‌گرفت و دلسوزانه آنها را به ظرفیت خود در اصلاح امور مسلمانان به آنها متذکر می‌شد (مطهری، ۱۳۹۲: ۳۹۷)، لذا دریا دل بودن و نه‌راسیدن از انتقادهای، طعنه‌ها و سرزنش‌ها در مسیر سیدجمال‌الدین موجب شده هیچگاه از حرکت باز نماند و با تاسی به اجداد طاهربینش (سلام الله علیهم اجمعین) و با شرح صدر بالا مخالفین خود در جامعه اسلامی را متوجه ظرفیت خود برای غلبه بر دشواری‌ها نماید.

۲-۲-۹. از خود گذشتگی

گرچه سیدجمال‌الدین اسدآبادی همه عمر خود را در سختی و رنج ناشی از مبارزه و مسافرت گذراند، به طور مشخص یکی از نمودهای از خود گذشتگی وی این بود که ضمن اذعان به ضرورت ازدواج برای هر انسان هیچگاه ازدواج نکرد و خانواده‌ای تشکیل نداد، وقتی سلطان وقت ترکیه (عبدالحمید) به او پیشنهاد کرد با یکی از کنیزکان زیبای دربار ازدواج کند او قبول نکرد، از او پرسید آیا شما با این نظر ابوالعلاء مری شاعر عرب موافقید که می‌گوید: "این جنایت را پدرم در حق من کرد، اما من در حق کسی نخواهم کرد." سید گفت: "هرگز، چگونه ممکن است آدم عاقل با ازدواج مخالفت کند و آن را جنایت بداند و حال آنکه به وسیله ازدواج است که نسل آدمی ادامه پیدا می‌کند و عمران و آبادانی به کمال می‌رسد! اما من به لوازم و تعهدات ازدواج اگاهم، می‌دانم که رعایت عدالت واجب است. ولی من از اجرای عدالت ناتوانم، به این سبب با مجرد خواندن خود، جلوی عدم اجرای عدالت را می‌گیرم" (اشکوری، ۱۳۷۶: ۲۸۶). در این باره شهید مطهری عنوان می‌کند: سید جمال هر کار ممکن را برای درمان دردهای جامعه انجام داد، مانند مسافرت‌ها، تماس‌ها، سخنرانی‌ها، نشر کتاب و مجلات، تشکیل حزب و جمعیت و حتی ورود و خدمت در ارتش بهره جست، در عمر ۶۰ ساله خود ازدواج نکرد و تشکیل عائله نداد، زیرا با وضع غیر ثابتی که داشت و هر زمانی در کشوری به سر می‌برد و گاهی در تحصن یا تبعید یا تحت نظر بود، نمی‌توانست مسئولیت تشکیل خانواده را برعهده بگیرد (مطهری، ۱۴۰۰: ۹۸). بدیهی است آنجا هم که از ناتوانی خود در اجرای عدالت در حق همسر سخن می‌گوید منظور همان است که استاد شهید مطهری عنوان می‌فرماید عدم ایفای نقش همسری با توجه به شرایطی که در مبارزه سیاسی داشته برای زوجی که بر می‌گزیند بوده است و نه رفتارهای عادلانه در درون خانواده.

۲-۲-۱۰. شجاعت در بیان حق

یکی از خاستگاه‌های پژوهش روان‌شناختی در اسلام، بررسی شش فضیلت اخلاقی انسان است که تقریباً مورد تأیید همه سنت‌های مذهبی و فلسفی قرار گرفته‌اند (خوشخرام و احمدی، ۱۳۹۸: ۲۲). یکی از اساسی‌ترین این فضایل که در تمام ادیان مورد توجه بوده، شجاعت است

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

و از دیرباز در سطح خطوط کلی در ادبیات پژوهشی مورد بررسی دانشمندان قرار گرفته است (جوزف^{۲۱}، ۲۰۱۵: ۵۲۳). از منظر روانشناختی، شجاعت فقط یک رفتار قابل مشاهده نیست، بلکه متضمن شناخت‌ها، هیجان‌ها، انگیزش‌ها و اراده‌هایی است که پیرامون آن شکل می‌گیرد (سلیگمن، ۲۰۰۲: ۱۷۸).

محمد عبده شاگرد برجسته سیدجمال‌الدین در وصف شخصیت سید می‌گوید: سید مردی است سلیم‌القلب، تندمزاج، قوی‌الاراده، از خودگذشته و شجاع در بیان حق (امین، ۱۳۲۹: ۱۰۸)

سید در مذمت ترس می‌گوید: ترس یک بیماری روحی و روانی است، مؤمن کسی است که یقین داشته باشد که اجل به دست خداست و خدا هرگونه و هر آن که بخواهد اجل آدمی می‌رسد، پس کندی در ادای وظایف و واجبات اجتماعی عمر کسی را زیاد نمی‌کند و شجاعت و درگیری یک دقیقه از عمر کم نمی‌سازد، مؤمن کسی است که یکی از دو نیکوترین (احدی‌الحسنین) را از دست نمی‌دهد: یا زندگانی با سیادت و عزت را، یا مرگ سعادت‌مندان در راه خدا را، تا روحش به اعلا علیین صعود کند و با کروبیان و بهشتیان محشور و همنشین گردد، سید می‌گوید در این دنیا دو کلمه است که با هم نمی‌سازند؛ اسلام و ذلت، مسلمان نمی‌تواند ذلیل باشد، زیرا خداوند می‌فرماید: *وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ* (سوره منافقون، آیه ۸)، عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است (حکیمی، ۱۳۵۶: ۶۰-۵۳)، بر اساس همین برداشت سید از ترس و علل آن و سیمای ذلت‌ناپذیر یک مسلمان، او در تمام میدان‌ها و در برابر سلاطین عصر خود در دنیای اسلام و صاحبان قدرت جهانی و به طور مشخص استعمار انگلیس بدون هیچ ترسی می‌ایستد و حرف خود را می‌زند و سلطه آن‌ها را به چالش می‌کشد.

۲-۲-۱۱. گشودگی بر روی تجربه

در نظریه انسان بالغ آلپورت^{۲۲}، یکی از نشانه‌های کمال و بلوغ در انسان‌های سالم آن است که آنان نیازی دائمی به تنوع و احساس و درگیری در خود احساس می‌کنند، کارهای روزمره و عادی را کنار می‌گذارند و همواره به جستجوی تجربه‌های تازه بر می‌آیند، تن به ماجرا می‌سپارند، خطر می‌کنند و به جستجوی چیزهای تازه همت می‌گمارند، بی‌شک همه این فعالیت‌ها تنش ایجاد می‌کند، به عقیده آلپورت، تنها از راه همین تجربه‌ها و خطرهای تنش‌زاست که بشر می‌تواند بیابد، با افزایش تجربه، خود فرد وسعت می‌یابد و ارزش‌های مجرد و آرمان‌ها را در بر می‌گیرد؛ به عبارت بهتر، هنگامی که انسان بالغ پخته می‌شود، توجهش به بیرون از خود معطوف می‌گردد (شولتز، ۱۹۶۷: ۱۷).

سید دائماً از تجارب جدید استقبال می‌کرد و در رویارویی با شرایطی که به مقتضای سفرهای

21. Joseph
22-Allport

او در مصر، ترکیه، هندوستان، انگلستان، فرانسه و افغانستان پیش می‌آمد به زودی با شرایط جدید انس می‌گرفت و فعالیت سیاسی و اجتماعی خود را شروع می‌کرد، به طور مشخص، در اواخر عمر وقتی به اشتباه بودن مسیر پیموده شده که طی آن برای رسیدن به هدف بزرگ اتحاد جهان اسلام و مبارزه با استعمار و استبداد به دربار و حاکمان جوامع روی آورده بود پی می‌برد در نامه‌ای که به یکی از دوستان خود می‌نویسد صریحاً بیان می‌کند: «دوست عزیز! ... ای کاش من تمام تخم افکار خود را در مزرعهٔ مستعد افکار ملت کاشته بودم، چه خوش بود تخم‌های بارور و مفید خود را در زمین شوره زار سلطنت فاسد نمی‌نمودم، آنچه در آن مزرعه کاشتم به نحو رسید، هر چه در این زمین کویر غرس نمودم فاسد گردید (صاحبی، ۱۳۸۵: ۱۸۷-۱۸۶). همانطور که ملاحظه می‌شود سیدجمال با تجاری که در گذشته کسب کرده است به این باور می‌رسد که مسیر طی شده با همه مجاهدت‌ها و مرارت‌هایی که تحمل کرده، اثربخشی لازم را در زدودن سلطه استعمار خارجی و استبداد داخلی نداشته است و لذا با صراحت به اشتباه بودن استمداد از حاکمان برای رهایی ملت و دین اذعان می‌نماید و به عنوان تجربه خود راه جدید را سرمایه‌گذاری روی ملت‌ها معرفی می‌نماید، گرچه خود او به ادامه مسیر جدید توفیق نیافت، ولی بی‌شک تجربه او و گشودگی او بر روی پذیرش راه جدید برای رهبرانی چون امام خمینی (ره) رهگشا بود که بر روی مردم و توده‌های میلیونی آن سرمایه‌گذاری نمایند.

۲-۲-۱۲. پرهیز از خرافه‌گرایی

از نظر سید جمال الدین ذلت‌پذیری مسلمانان تا حد زیادی معلول افکار قالبی و عقاید نادرست در مورد ناتوانی خود و قدرت استعمار و مشروعیت استبداد است (عنایت، ۱۳۹۹: ۲۳۵)، اسدآبادی چارهٔ دردهای جهان اسلام را بازگشت به اسلام نخستین (قرآن و سنت) معرفی می‌کرد و بر پیراستن خرافات از آن تأکید داشت، او بدعت‌زدایی و خرافه‌شویی را شرط این بازگشت می‌دانست (مطهری، ۱۴۰۰: ۲۱)، به نظر وی، برای تصحیح ذهنیت مسلمانان باید تفسیر صحیح و جدیدی از مفاهیم اسلامی شود و عالمان دینی خرافات را از دین بزدايند و مفاهیم دینی را به درستی تفسیر و تبیین کنند و شاخصه‌های اصلی دین را به آن بازگردانند (اسدآبادی، ۱۳۶۰: ۴۹). از نظر سیدجمال الدین برای مطابقت با وضعیت دنیای مدرن باید اعتقادات را با معیار عقل سنجید و کلام خدا را در آزادی سیاسی و بی‌نیازی اقتصادی و حقوق حقه انسان فهمید، مسلمانی که بدین سان از بند خرافات و تعصبات ناروا رها می‌شود و به حقایق دینی آگاهی پیدا می‌کند و امکانات جدید آن را می‌یابد، نه فقط تعدی غیر انسانی به شخصیت خود را نمی‌پذیرد، بلکه عملاً با اتحاد با برادران دینی خود شائق می‌شود و از این رهگذر اسلام را به عالی‌ترین درجه قدرت می‌رساند (اسدآبادی، ۱۳۵۸: ۱۹)، با این بیان مشخص می‌شود که یکی از زمینه‌های تلاش سیدجمال الدین مبارزه با خرافه‌گرایی بوده است او یکی از موانع بزرگ مانع وحدت و مقاومت مسلمانان را همین خرافه‌گرایی‌ها می‌دانست و معتقد بود از رهگذر تفسیر

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

و تبیین درست دین و ارائه فهم دقیق از مفاهیم دینی باید به خرافه زدائی پرداخت تا بدین وسیله جوامع اسلامی در برابر ذلت سلطه بیگانگان و استبداد زدگی مصون گردد.

۲-۲-۱۳. انعطاف‌پذیری^{۲۳}

به تعبیر مزلو، شخصیت‌های ناسالم جهان را با قالب ذهنی خویش ادراک می‌کنند و می‌خواهند به زور آن را به شکل ترس‌ها، نیازها و ارزش‌های خود درآورند؛ در نقطه مقابل، اشخاص سالم به دلیل آنکه طبیعت خود را به خوبی می‌پذیرند، ناگزیر از تحریف یا وارونه جلوه‌گر ساختن خویش نیستند، آنان ذهنیتی منعطف داشته و حالت تدافعی ندارند و خود را در پس نقاب‌های اجتماعی پنهان نمی‌کنند، با خودشان در صلح و آشتی به سر می‌برند و این پذیرش، همه سطوح وجود آنان را در بر می‌گیرد (شولتز، ۱۹۶۷: ۱۰۲). برخی گفته‌اند که سید جمال الدین با توجه به الزامات مبارزه سیاسی برای وحدت جهان اسلام که ایرانی و شیعی بودن می‌توانست مانعی در برابر آن باشد، خود را به مجموعه جهان اسلام متعلق می‌دانست و سعی می‌کرد منسوب به جایی نباشد تا از این طریق بتواند با علمای جهان اسلام و اهل سنت تعامل داشته باشد، او در مصاحبه با روزنامه پال مال گزاتنه^{۲۴} بیان داشته که «من یک افغانی از خالص‌ترین نژاد ایرانی هستم (خسروشاهی، ۱۳۹۵: ۲۸۱)، با همین ویژگی ممتاز شخصیتی بود که می‌کوشید زمینه تقرب بین مذاهب اسلامی را فراهم نماید (صاحبی، ۱۳۸۵: ۱۶۷)، لازمه پذیرش وحدت بین مذاهب و ملل اسلامی کنار گذاشتن عواملی بود که منشاء اختلاف محسوب می‌شد، ملیت و مذهب می‌توانست به عنوان دو دستاویز دشمنان برای جدا کردن مردمان مسلمان باشد، لذا سید با علم و هوشمندی خود به این درد جامعه اسلامی واقف بود و در این راه به عنوان یک سیره رفتاری وحدت‌گرایانه، بگونه‌ای عمل می‌کرد که خیلی از مواقع ملیت ایرانی و مذهب خود (شیعه) را نیز عیان نمی‌کرد.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران و به طور خاص، بررسی ویژگی‌های شخصیتی سیدجمال الدین اسدآبادی بود. با نگاهی به آنچه گذشت در می‌یابیم نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخی و به طور خاص، تاریخ معاصر ایران از اهمیت ویژه برخوردار است، همان‌طور که اشاره شد برای درک درست این مسئله ناگزیر هستیم از روانشناسی کمال به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی که در صدد پرداختن به جنبه‌های سالم شخصیت انسان و ظرفیت‌ها و استعداد‌های عظیم انسان برای از قوه به فعل رساندن و تحقق بخشیدن به توانایی‌هایی خویش و یافتن معنای ژرفتری در زندگی است، وام

23-flexibility

24- pall mall gazett

گرفته شود. به لحاظ فرهنگ و تبارشناسی دینی نیز انسان به خودی خود موضوعیت داشته و خداوند در او استعداد و ظرفیت‌های رو به کمال را تعبیه نموده است که گاهی از آن به عنوان هوش و فطرت متعالی نام برده شده است. در چنین دیدگاهی، خاستگاه تحولات تاریخی به جز نیازها و شرایط اجتماعی جامعه، ظهور افرادی هوشمند، آگاه به زمان و فرصت‌شناس نسبت به تحولات و نیازهای جامعه است، این افراد به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و تفکر منحصر به فردی که دارند، نقشی تعیین‌کننده در بیداری جامعه خفته زمان خود دارند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی یکی از شخصیت‌های منحصر به فرد دوران معاصر است که ویژگی‌های شخصیتی و تفکر دینی او حرکت و تحولی عمیق را در بیدارسازی جهان اسلام و به تبع آن، مبارزه با استبداد و تقریب و اتحاد مذاهب اسلامی ایجاد کرد. در این پژوهش، به دلیل گستردگی ویژگی‌های شخصیتی و به منظور احصای ویژگی‌های مهم و اثرگذار در رفتارهای سیاسی اجتماعی انسان، از جنبه عام انسانی، مؤلفه‌های مورد نظر روان‌شناسی کمال و به طور مشخص، انسان خودشکوفای مزلو و در بُعد ویژگی‌هایی که به لحاظ تبارشناسی فرهنگی و مکتبی که یک انسان به آن وابسته است، از دیدگاه شهید مطهری در باب ویژگی‌های انسان کامل استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد سیدجمال‌الدین اسدآبادی به لحاظ شخصیتی، فردی خودآگاه، حکیم، با هوش بالا، سازگار، برخوردار از وارستگی اخلاقی و عرفان اصیل اسلامی، سخت‌کوش، از خودگذشته، شجاع در بیان حق، اعتدال در رفتارها، اهل سعه صدر، انعطاف‌پذیر، به دور از خرافه‌گرایی، تاب‌آور، آشنا به زبان‌های زنده دنیا، گشوده بر روی تجارب، بوده است. تطبیق این ویژگی‌ها با شخصیت سیدجمال‌الدین اسدآبادی نشان داد که عمده این ویژگی‌های شخصیتی با شخصیت سیدجمال‌الدین انطباق دارد و او به لحاظ روان‌شناختی، شخصیتی کمال‌یافته داشته است، همچنین به لحاظ فرهنگ و تبارشناسی دینی که در روان‌شناسی دنیای معاصر به آن پرداخته نشده نیز، سید ویژگی‌های ممتاز یک انسان مسلمان متعالی را داشته است. این ویژگی‌های ممتاز در وجود سیدجمال‌الدین که با جهت‌گیری الهی از قوه به فعل رسیده است، به او توان شناخت درست جهان اسلام و اروپا و همچنین دردهای جامعه اسلامی و راه غلبه بر این مشکلات را بخشیده و در عرصه عمل نیز با استعانت از همین ویژگی‌های منحصر بفرد، نقش مهمی در رخدادهای تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام ایفا کرده است، که مهم‌ترین آن‌ها، زمینه‌سازی برای رقم خوردن واقعه تحریم تنباکو، نهضت مشروطیت، بیداری اسلامی در جهان اسلام، مبارزه با استعمار غرب، استبداد، تقریب مذاهب اسلامی و بدون شک انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به عنوان «معجزه قرن» بوده است.

پیشنهادات:

پیشنهاد کاربردی: یکی از نقص‌های بزرگ کتب درسی عدم رویکرد میان‌رشته‌ای در معرفی

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

افراد مؤثر در تحولات تاریخی و به طور خاص، تاریخ معاصر ایران است. پیشنهاد می‌شود یافته‌های این پژوهش در کتب درسی، بویژه کتب تاریخی در مقاطع متوسطه اول و دوم گنجانده شود تا دانش‌آموزان به شناخت عمیق‌تری از مفاخر جهان اسلام همچون سیدجمال دست یابند.

پیشنهاد پژوهشی: با توجه به نوع و بدیع بودن این نگاه به اندیشمند و مصلح بزرگ سیدجمال الدین اسدآبادی پیشنهاد می‌شود: با اجرای پژوهش‌های دیگر به بررسی و واکاوی بیشتر شخصیت این مصلح بزرگ پرداخته شود.

محدودیت پژوهش: از محدودیت‌های این پژوهش تاریخی بودن اسناد و عدم توانایی پژوهش‌گر بر دستیابی به همه اسناد و فاصله زمانی بین واقع با این پژوهش بوده است.

منابع

اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۵۵). گزیده عروة الوثقی، ترجمه: عبدالله سمندر، تهران: مولا.

اسدآبادی، سیدجمال الدین (۱۳۵۸). مقالات جمالیه، به کوشش میرزا لطف‌الله اسدآبادی، تهران، ایرانشهر.

اسدآبادی، میرزا لطف‌الله خان (۱۳۰۴). شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی، انتشارات ایرانشهر.

اسلامی‌نسب، علی (۱۳۷۳). روانشناسی سازگاری (چگونه با خود، طبیعت و اجتماع سازگار شویم)، تهران: نشر بنیاد، چاپ اول.

امیری، مهرباب (۱۳۹۶). بازیگر انقلاب شرق، پژوهشکده باقرالعلوم.
امین، احمد (۱۳۹۳). مفخر شرق سیدجمال الدین اسدآبادی، ترجمه سعیدی، غلامرضا انتشارات کلبه شروق.

امین، عثمان (۱۳۲۹). سیدجمال الدین اسدآبادی، نامه فروغ علم مهر و آبان و آذر ۱۳۲۹ شماره ۷ و ۸ و ۹.

برون، ادوارد (۱۹۷۰). تاریخ انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه (۱۳۹۹)، انتشارات اساطیر.

بهشتی سرشت، محسن (۱۳۸۵). نقش شخصیت در تاریخ با رهیافتی به جایگاه تاریخی امام خمینی (س)، پژوهشنامه متین، ۸ (۳۱ - ۳۲): ۵۳ - ۴۳. https://matin.ri-khomeini.ac.ir/article_65420.html

جزیره دار، عبدالکریم (۱۳۷۷). (مقالات قزوینی) علامه محمد قزوینی ج ۴، انتشارات اساطیر.

جمالی، صفات‌الله (۱۳۴۹). اسناد و مدارک درباره سید جمال الدین اسدآبادی،

/انتشارات دارالتبلیغ اسلامی.

- حسینی اسدآبادی، سیدجمال الدین (۱۳۸۹). مجموعه رسائل و مقالات، به اهتمام سید هادی خسروشاهی، قم: مرکز بررسی‌های اسلامی، ص ۲۱۴.
- حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۶۰). روزنامه جمهوری اسلامی، مصاحبه ۳۰ خرداد..
- حکیمی، محمد رضا (۱۳۵۶). بیدارگران اقلیم قبله، نشر فرهنگ اسلامی، ص ۶۰-۵۳.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۵). ترجمه گزیده‌ای از اسناد وزارت خارجه انگلیس درباره سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران، کلبه شروق.
- خوشخرام مصطفی، احمدی، محمدرضا (۱۳۹۸). ساخت پرسشنامه اولیه شجاعت بر اساس منابع اسلامی، روان‌شناسی و دی‌سن، ۳ (۴۷): ۲۱-۳۶. <https://ensani.ir/fa/article/416465>
- درزی، قاسم، سلمان‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۸). فرآیندشناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های قرآنی؛ نمونه موردی: واژه شاکله در آیه ۸۴ سوره اسراء، فصلنامه پژوهشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، ۵۱ (۱) ۱۰۶-۷۱.
- زهر، دانا، مارشال، یان (۲۰۰۴). سرمایه معنوی ثروتی که با آن می‌توان زیست، مترجم: مرضیه فاطمی (۱۳۹۵)، نشر ماهواره، چاپ اول.
- سعیدی، غلامرضا (۱۳۸۰)، مفخر شرق، به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران، کلبه شروق.
- سلیگمن، مارتین (۲۰۰۲). شادمانی درونی روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خشنودی پایدار، ترجمه مصطفی تبریزی و همکاران (۱۳۹۹)، نشر دانژه.
- سیاسی، علی‌اکبر (۱۴۰۲)، نظریه‌های شخصیت، نشر دانشگاه تهران.
- شولتز، آلن، شولتز، دوان (۲۰۱۳)، نظریه‌های شخصیت، مترجم: یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۸)، تهران: نشر ویرایش.
- شولتز، دوآن (۱۹۶۷). روان‌شناسی کمال (الگوهای شخصیت سالم)، ترجمه گیتی خوشدل (۱۴۰۰)، انتشارات پیکان.
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۹۸). مکتب تربیتی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز بررسی‌های اسلامی.
- طباطبائی، محمد محیط (۱۳۸۰)، نقش سید جمال‌الدین در بیداری مشرق زمین، انتشارات کلبه مشروق.
- عنایت، حمید (۱۳۹۹). سیری در اندیشهٔ عرب، انتشارات امیر کبیر.
- کرمانی ناظم الاسلام، محمدبن علی و حسن بیگی محمدرضا (۱۳۸۹). تاریخ بیداری ایرانیان، انتشارات دبیر.

■ نقش شخصیت در بازتفسیر رخداد‌های تاریخ معاصر ایران، با تأکید بر مؤلفه‌های روان‌شناسی کمال

کیخا، نجمه (۱۳۹۹). حکمت و سیاست در اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۹ (۳۵) ۲۰۴ - ۲۰۰. https://qpss.atu.ac.ir/article_12201_bf1de8346c58c923f521a51e304ba2eb

ماهانامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب (۱۳۹۰)، ماهنامه کتاب ماه فلسفه، شماره ۵۳.

مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۸۹). سیدجمال‌الدین اسدآبادی و اندیشه‌های او، انتشارات امیرکبیر.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). مجموعه آثار، ج ۲۸، ص: ۳۹۶.
مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). شرح مبسوط منظومه، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ص، ۱۸۸.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۹). نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی (۱۴۰۰). مجموعه آثار، ج ۲۴، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی (۱۴۰۱). انسان کامل، انتشارات صدرا.
مهدوی، اصغر، افشار، ایرج (۱۳۴۲). مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سیدجمال‌الدین اسدآبادی، انتشارات دانشگاه تهران.

میان محمد، شریف (۱۳۷۰). تاریخ فلسفه در اسلام ج ۱، ترجمه و نشر مرکز نشر دانشگاهی تهران.

وائقی صدر (۱۴۰۰). سید جمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، شرکت سهامی انتشار.

هامر، دین (۱۳۸۴). نقش زن در شکل‌گیری شخصیت، علی متولی‌زاده ارکانی، انتشارات چهر.

یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۶). اندیشه‌های سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد.

یونگ، کارل گوستاو (۱۴۰۲). انسان و سمبولهایش، ترجمه محمود سلطانی، نشر جامی مصدق.

Connor, Davidson (2003). Development of a New Resilience Scale: The Connor- Davidson Resilience Scale (CD-RISC). Journal of Depression and Anxiety 18:76-82.

Joseph, Stephen (2015). Positive Psychology in Practice, Hoboken, NJ: Wiley.

Keddie, Nikkie R (1968). An Islamic Response to Imperialism.

Berkeley: University of California Press: p. 6.

Kobasa,S (1979). Stressful life events, personality and health: An inquiry into hardiness, journal of personality and social psychology, 1, 1-11.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی